

گزارش نشست تخصصی نقد و بررسی پیش‌نویس لایحه سازمان نظام رسانه‌ای

مقدمه

اهمیت وجود و فعالیت سازمانی صنفی در حوزه رسانه‌ای که ضامن آزادی عمل و حامی حقوق اهالی رسانه است و در عین حال به بهبود کارایی فعالیت‌های رسانه‌ای یاری می‌رساند، بر کسی پوشیده نیست. از این روی، پیش‌نویس لایحه‌ای تنظیم شد تا با تشکیل سازمان نظام رسانه‌ای، اهداف فوق‌الذکر جامه عمل پوشد. پیش‌نویس لایحه سازمان نظام رسانه‌ای که به منظور گردآوری و دریافت نظرها و پیشنهادها از روزنامه‌نگاران، کارشناسان و اصحاب رسانه در وب‌گاه دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها منتشر شده بود، واکنش‌های گسترده‌ای به همراه داشت. در این چارچوب سلسله نشست‌های تخصصی‌ای در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برای تبیین و تدقیق این موضوع پیش‌بینی و برگزار شد. در این نشست‌ها اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه‌ای به تبادل نظر در خصوص این پیش‌نویس پرداختند و مباحث مورد نظر خود را ارائه کردند. دومین نشست تخصصی در ارتباط با موضوع یادشده با حضور آقایان دکتر انتظامی، دکتر رضی، دکتر سلطانی‌فر، مهدی فضایی، دکتر کواکبیان، کسری نوری و خانم ژاله فرامرزیان روز دوشنبه ۱۴ مهرماه سال جاری در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار شد.

بر آن هستیم که این پیش‌نویس پس از جرح و تعدیل‌های لازم بتواند به‌عنوان نظامی جامع مطرح شود

دکتر سلطانی‌فر: همان‌گونه که در نشست نخست مطرح شد پیش‌نویس سازمان نظام رسانه‌ای پس از انتشار با واکنش‌های متفاوتی از سوی محافل رسانه‌ای و جناح‌های مختلف سیاسی روبه‌رو شد و نظرهای مثبت و منفی بسیاری را برانگیخت که دقیقاً هدف از طرح این مبحث بود. با به چالش کشیده‌شدن این طرح و روشن شدن نقاط مثبت و منفی، بر آن هستیم که این

پیش‌نویس پس از جرح و تعدیل‌های لازم بتواند به‌عنوان نظامی جامع مطرح شود که قابلیت طرح داشته باشد و دیدگاه‌های مختلف در آن ارائه شود.

پس از طرح اولیه، این موضوع به اندازه‌ای چالش‌برانگیز بود که روزنامه‌نگاران در رسانه‌های گوناگون پردازش‌های متفاوتی ارائه کردند و حتی رسانه‌های بیگانه نیز تلاش کردند مواردی را در این باره با حضور روزنامه‌نگاران سابق و آنهایی که در کشور حضور دارند، نقد کنند. چند سازمان و انجمن صنفی نیز در داخل کشور نشست‌های متعددی برگزار کردند و رسانه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف این موضوعات را در نشست‌های متعدد نقد و بررسی کردند.

نقدهای وارد شده در این نشست به کنکاش گذاشته می‌شود و جمع‌بندی آنچه تاکنون در داخل و خارج دربارهٔ پیش‌نویس از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف اعلام شده، همچنین موضع‌گیری‌ها و کلیات قضیه، نگاه کلان و محورهای مثبت و منفی نسبت به این پیش‌نویس بیان خواهد شد.

محورهای عمده نقدها

- این پیش‌نویس از بنیان محل اشکال است و با آزادی رسانه سازگاری ندارد.
- عبارت "غیردولتی" در این پیش‌نویس، روشن و شفاف نیست.
- ضرورت تعریف منافع ملی و امنیت ملی به‌منظور پیشگیری از هرگونه سوءبرداشت.
- شائبهٔ دولتی‌بودن سازمان نظام رسانه‌ای باید برطرف شود.
- مجمع عمومی باید بالاترین رکن سازمان باشد، نه شورای عالی.
- در ترکیب هیئت‌صدور پروانهٔ روزنامه‌نگاری، صلاحیت حداقلی هم برای روزنامه‌نگار در نظر گرفته نشده‌است.
- ضمانت اجرایی در خصوص حقوق روزنامه‌نگاران دیده نشده‌است.
- با توجه به ضعف بنیهٔ مالی روزنامه‌نگاران، دولت باید مکلف به تأمین بودجه این سازمان شود.
- سهم دولت در مفاد این پیش‌نویس، بیش از روزنامه‌نگاران است.
- مسائل و مشکلات صنفی روزنامه‌نگاران از قبیل بیمه، مسکن، امنیت شغلی و... در این پیش‌نویس دیده نشده‌است.
- تصویب و اجرای این پیش‌نویس، خط بطلانی بر فعالیت آزاد و مستقل مطبوعات کشور خواهد کشید.
- این پیش‌نویس، مطبوعات را به بولتن تبلیغاتی دولت تبدیل می‌کند.
- این متن چنان محدودیت‌های قانونی برای روزنامه‌نگاران ایجاد خواهد کرد که در تاریخ ۱۰۰ ساله روزنامه‌نگاری در ایران بی‌سابقه است.
- این پیش‌نویس برآیند همهٔ طرح‌های ناموفق و ردشدهٔ پیشین است.
- کمک‌های دولت و شهرداری‌ها برای تأمین بودجهٔ سازمان نظام رسانه‌ای، با مستقل بودن این سازمان منافات دارد.

- وقتی دولت اراده یا قدرتی برای بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ندارد، مطرح کردن این پیش‌نویس، نمک‌پاشیدن روی زخم روزنامه‌نگاران است.
- این پیش‌نویس چوب لای چرخ فعالیت تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاران است.
- وظایف اصناف مختلف توسط خود آنان در چارچوب قانون نوشته می‌شود. به نظر می‌رسد این پیش‌نویس متنی نیست که روزنامه‌نگاران درباره نحوه فعالیت خود انتظار دارند.
- دو نکته با برخی از موارد بالا در تضاد است. یکی از این موارد به این موضوع اشاره دارد که با توجه به ضعف بنیه مالی روزنامه‌نگاران، دولت باید به تأمین بودجه این سازمان مکلف شود. هم‌چنین مسائل و مشکلات صنفی روزنامه‌نگاران از قبیل بیمه، مسکن و امنیت شغلی باید در حوزه دولتی دیده شود که این امر با عدم دخالت دولت و خواست‌هایی مبنی بر مشخص شدن غیردولتی بودن پیش‌نویس مغایرت دارد.
- موارد ذکر شده جزء دیدگاه‌هایی است که جمع‌آوری شده‌اند. باید در این ارتباط توضیحاتی را به عرض برسانم:
- در یکی از نقدها گفته شده که پیش‌نویس، برآیند همه طرح‌های ناموفق و رداخته پیشین است. این موضوع در رسانه‌های بیگانه هم اشاره شده است.
- افرادی که در انجمن‌های مختلف مانند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران مسلمان یا انجمن روزنامه‌نگاران زن و مانند اینها به نقد پیش‌نویس پرداخته‌اند، دچار این اشتباه شده و گفته‌اند این موضوعات جزء مواردی است که باید در انجمن‌های ویژه روزنامه‌نگاری و نه در قانون نظام رسانه‌ای به آن پرداخته شود.
- گفته شده، وقتی دولت اراده و قدرتی برای بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ندارد، مطرح کردن این پیش‌نویس، نمک‌پاشیدن روی زخم روزنامه‌نگاران است. همان‌گونه که اشاره شد قرار نیست این قانون جایگزین انجمن صنفی شود.

واکنش‌های مثبت

- تدوین و ارائه پیش‌نویس لایحه سازمان نظام رسانه‌ای، گامی رو به جلوست.
- تصویب و اجرایی شدن مفاد این پیش‌نویس برای نخستین بار روزنامه‌نگاران کشور را زیر چتر سازمان نظام صنفی قرار می‌دهد.
- ایجاد سازمان نظام رسانه‌ای از الزامات توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور و کمک به توسعه اقتصادی و سیاسی و پیشرفت همه‌جانبه است.
- سازمان نظام رسانه‌ای، مرکز اتکای روزنامه‌نگاران برای آموزش، حمایت‌های حقوقی و امنیت شغلی است.
- تعریف نظام جامع برای روزنامه‌نگاران و حذف مجازات زندان از محاسن این پیش‌نویس است.
- به جای اینکه اصل پیش‌نویس را زیر سؤال برده و به آن انگ دولتی بودن زده شود، بهتر است از آن حمایت شود و در ساختار آن مواردی گنجانده شود که منافع حداکثری روزنامه‌نگاران را تأمین کند.

- برای نخستین بار سازمانی در گستره ملی و با حکم قانون، رسمیت پیدا می‌کند. این الگو تاکنون در کشور نبوده و آنچه هم که پیش‌تر به‌عنوان انجمن صنفی وجود داشته، الگوی متمرکزی بوده که فقط در تهران وجود داشته و بیشتر از آنکه یک سازمان صنفی باشد، یک تشکل سیاسی - صنفی بوده‌است و به همین دلیل هم آسیب دید و منحل شد.
- برای نوشتن یک نظام جامع مطبوعاتی باید از طریق قانون، اساس کار را محکم کرد. قانون باید سرچشمه‌ای متین و محکم مبتنی بر استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگار باشد.
- تشکیل سازمان نظام رسانه‌ای از آرزوهای دیرینه روزنامه‌نگاران در ایران است.
- این پیش‌نویس مصداق کاملی از میانه‌روی و اعتدال سیاسی در تنظیم یک لایحه قانونی است، که نه ساختارشکن است و نه حاکمیت محور.
- انواع رسانه‌نگاران و حوزه‌های مختلف روزنامه‌نگاری مانند روزنامه‌نگاری مکتوب، دیداری، شنیداری و آن‌لاین نیز در این حوزه دیده شده‌است.
- تدوین و ارائه پیش‌نویس یک گام رو به جلو است و می‌تواند آرام‌آرام در حوزه‌های مختلف، قانونمند کردن فعالیت روزنامه‌نگاران را در پی داشته باشد.

برنامه‌های توسعه کشور به دنبال نظام جامع رسانه‌ای هستند

مهدی فضایی: آنچه در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه تکلیف و تکرار شده تدوین نظام جامع رسانه‌ها است و تکلیفی به‌عنوان نظام صنفی پیش‌بینی نشده‌است. این درحالی‌است که در مقدمه و کلیات و بخش نخست ماده یک پیش‌نویس این لایحه آمده‌است: در راستای اصول ۲۴ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به‌منظور اجرای بند الف ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع رسانه‌های همگانی، تنظیم مناسبات و روابط شهروندان و روزنامه‌نگاران با یکدیگر و ...؛ سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌موجب این قانون تشکیل می‌شود؛ اما اشکال این است که بند الف ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه غیر از موردی هست که برایش پیش‌نویس تدوین شده‌است.

برخی ممکن است در دفاع از تدوین پیش‌نویس نظام صنفی رسانه‌ای آن را به‌عنوان بخشی از سازمان نظام جامع رسانه تلقی کنند؛ اما مشکل این است که اگر تدوین قانون جامع مطمح نظر باشد باید از به‌هم پیوستگی و انسجام بیشتری برخوردار باشد و نمی‌توان بدون رعایت مقدمات و الزامات جامعیت تدوین یک اثر، تنها بخشی از یک هدف را برای انجام انتخاب کرد؛ زیرا اجزای مقدمات ساختار جامع مورد نظر دچار ابهام خواهند شد.

به‌طور مشخص از سال ۱۳۸۴ خورشیدی دست‌اندرکاران امور رسانه به اجماع رسیدند که قانون وقت مطبوعات پاسخگوی نیازهای رسانه‌ای کشور نبوده و تجدیدنظر ضروری است. بنابراین در برنامه چهارم توسعه تدوین نظام جامع رسانه‌ای و پس از آن قانون جامع رسانه‌ای جزء تکالیف برنامه و بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته شده بود. دولت نهم

به‌عنوان متولی اجرای برنامه چهارم و از طریق معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی با تشکیل کارگروه کارشناسی این تکلیف را تا تدوین پیش‌نویس نظام جامع هدایت کرد. اما با شروع به‌کار دولت دهم معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی موظف به اصلاح یا تهیه پیش‌نویس تازه‌ای شد که به نتیجه مطلوبی نرسید و هم‌اکنون نیز در دولت یازدهم تهیه پیش‌نویس به‌عنوان یکی از تکالیف دولت در برنامه پنجم وجود دارد.

این پیش‌نویس مصداق نظام جامع رسانه‌ای تکلیف‌شده در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیست و به‌نظر می‌رسد بهتر است تکلیف برنامه‌های توسعه به سرانجام برسد و اگر این هدف در برنامه پنجم قابل دستیابی نیست، تدبیری اندیشیده شود تا دوباره در برنامه ششم تکرار نشود.

شناسایی موانع پیش‌روی برنامه‌های قبلی و اتخاذ تدبیر برای به سرانجام رساندن در برنامه ششم ضروری است. تدوین نظام جامع صنفی رسانه دشوار بوده اما لازم است با نگاه کارشناسی به تجربه‌های حاصل از برنامه پنجم، سرفصل‌های اصلی نظام جامع در برنامه ششم گنجانده شود تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بتواند برنامه‌های خود را برای دستیابی به متن نهایی تنظیم کند.

بر همین اساس، بهره‌گیری از تجربه‌های شواری عالی انقلاب فرهنگی و دیگر نهادهای حاکمیتی در تهیه و تدوین نقشه‌های جامع علمی و مهندسی کشور برای تهیه و تدوین نظام جامع رسانه‌ای موجب موفقیت بیشتر در این راه است.

شائبه شکل‌گیری انجمن صنفی در ساختار پیشنهادی نظام صنفی رسانه‌ای

ژاله فرامرزیان: ساختار و چارچوب پیش‌بینی شده در پیش‌نویس لایحه نظام صنفی رسانه‌ای و شباهت موضوع آن با آغاز فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران همراه با انتشار دیدگاه رئیس‌جمهور درباره شکل‌گیری سازمان نظام صنفی شائبه شکل‌گیری یک انجمن صنفی را پدید آورده است. هرچند اگر این سازمان، صنفی نیز باشد فعالیت‌های مدنی متقاضیان باید به‌وسیله مکانیزم پایین به بالا به سمت گروه مدیریت هدایت شود نه آنکه یک گروه مدیریتی متقاضیان را مدیریت کند.

با توجه به نقش تسهیل‌کنندگی انجام برنامه‌های توسعه به‌وسیله پیش‌بینی نظام‌های جامع، نکته مهم برای حل مشکلات یک بخش در رابطه با پیش‌نویس نظام صنفی رسانه‌ای این است که اگر قرار بر حل مشکلات نظام صنفی رسانه‌ای و مسائل رسانه کشور هست باید روح این نیاز در جای‌جای برنامه جاری شود.

در همین راستا باید موقعیت صنف و وضعیت برخی کارکردها مانند مسائل رفاهی، جریان اطلاع‌رسانی، ساختار و نوع رابطه و تعامل با دولت پیش‌بینی شود تا بتوان ادعا کرد حقوق صنفی رسانه در برنامه توسعه دیده شده است. حضور رسانه در بخش‌های مختلف و مجموع اقدامات و مکانیزم‌های پیش‌بینی شده می‌تواند نتیجه رضایت‌بخشی برای موقعیت رسانه در بر

داشته باشد. به علاوه پاسخگوبودن نهادها و مراجع قانون‌گذار در برابر مشکلات آینده ضروری است و نباید از تعهد آن شانه خالی کنند.

کارکرد سازمان صنفی به‌عنوان مهم‌ترین مسئله قابل پیش‌بینی در هر قانونی هست اما در این مورد، سازمانی را بررسی می‌کنیم که هنوز سلول‌های آن به‌خوبی شناخته‌نشده، خوب تعریف نشده و به‌خوبی نیز معرفی نشده‌است. اگر انتظار داریم این قانون دغدغه جامعه رسانه‌ای کشور باشد صدا و سیما به‌عنوان رسانه ملی که قدرت مانور واقعی رسانه‌ای دارد باید خود را درگیر کند تا مجموعه بررسی‌های کارشناسانه منجر به تصمیم‌گیری مناسب شود. در غیر این صورت، همه گفت‌وگوها و بررسی‌ها به اطلاع مخاطبان، تصمیم‌گیران دولتی و حاکمیت نخواهد رسید و خروجی مناسبی نیز نخواهد داشت. بنابراین به‌نظر می‌رسد پیش‌نویس در زمینه کارکرد سازمان نظام صنفی رسانه‌ای، آن‌گونه که پیش‌بینی شده مناسب نیست.

از سوی دیگر پرسش این است که الزامات پیش‌بینی شده برای هر قانون نظام صنفی چیست؟ اگر هدف این است که از صنف رسانه حمایت شود، حقوق و حدود فعالیت‌ها تشریح شود، مسائل رفاهی مورد مراقبت قرار گیرد یا جامعه رسانه، تقاضایی دهد که آن را مدیریت کند، هنوز پیش‌نویس کنونی برای وضعیت‌های گفته‌شده، پیش‌بینی مشخصی ندارد. به‌علاوه با توجه به ساختار پیشنهادی، از آنجایی که اعضای شورایی که به نسبت پنجاه پنجاه دولتی و غیردولتی هستند و قرار است با تشکیل مجمع عمومی شکل بگیرد مشخص نیستند، برای مدیریت برنامه‌ریزی سازمان قابل اطمینان نیست.

نگاه به شکل‌گیری این سازمان، در مرکز دولتی و از بالا به پایین است در دیگر شهرها و شهرستان‌ها نیز به همین شکل خواهد بود. این درحالی‌است که باید تقاضای شکل‌گیری از سوی انجمن‌های صنفی یا صنف رسانه‌ای پیشنهاددهنده ضوابط و مقررات متناسب با مکانیزم مورد نظر، ارائه شود. همچنین، پیش‌بینی شده‌است، نظام صنفی می‌تواند از منابع مالی دولتی و کمک‌های مردمی بهره‌مند شود اما هیچ حقی از اعتبارات در نظر گرفته‌شده برای این مجموعه پیش‌بینی نشده‌است.

هنگامی که از نگاه صنفی به گروه‌های غیردولتی و صنفی به‌عنوان شرکای اجتماعی نگریسته می‌شود حق شراکت آنها نیز باید پرداخته شود. اگر بازیگران متفاوتی در حیات اجتماعی کشور وجود دارند منابع نیز باید متناسب با مشارکت آنها تقسیم شود. حق شراکت و بازیگری یک صنف یا گروه غیردولتی برای حضور و نقش‌آفرینی در جامعه دریافت متناسب منابع است و غیردولتی بودن مانع این حق نیست و از حق دولت نیز کاسته نمی‌شود.

هر یک از بخش‌های خصوصی، مدنی و غیردولتی یا دولتی نقش‌ها و تکالیفی را دارند که قابل واگذاری نیستند، هر یک باید از حقوق خود برخوردار باشند و در تعامل با دیگر نهادها قرار گیرند؛ اما، منابع باید به‌عنوان شرکای اجتماعی تقسیم شوند. پذیرش کمک‌های دولتی به‌معنای کارگزار دولت بودن نیست و این نگاه در کشور متأسفانه هیچ‌گاه ایجاد نشده‌است،

هرچند که شاید به این علت باشد که بازیگران، واقعی نیستند؛ به این معنا که بازیگران از گروه هدف خود نمایندگی نمی‌کنند.

روش‌های پیش‌بینی شده در پیش‌نویس نظام جامع صنفی رسانه چند مسئله جدی با خود دارد و یکی از نگران‌کننده‌ترین آنها تنبیهی بودن نظام حاکم بر پیش‌نویس است که بر دیگر ضوابط و مقررات پیشگیرانه و تنبیهی موجود اضافه و موجب ایجاد تهدید بیش از حد شده است. جریان اطلاع‌رسانی که امید می‌رود با شکل‌گیری این نظام صنفی مؤثرتر و مثبت‌تر صورت گیرد نه تنها به دست نمی‌آید بلکه تهدید جدیدی هم به موارد پیشین اضافه خواهد کرد. باید به دقت بررسی شود که این پیش‌نویس در چه جایگاهی با چه افرادی و چه رویکردهایی تصویب خواهد شد اما در صورت اصرار دولت، این قانون باید جامع و مانع باشد و از تفصیل دادن بیش از حد آن پرهیز کرد چراکه قابل تفسیر و تشکیک خواهد شد. به علاوه، استقلال رأی در ارائه پیشنهادهاى مربوط به مکانیزم‌های اقدام، متناسب با موقعیت استانی فعالیت، از اهمیت برخوردار است و نمی‌توان نسخه‌ای یکسان برای این دسته از فعالیت‌ها ارائه داد.

جامعه رسانه‌ای در نقد پیش‌نویس لایحه نظام صنفی رسانه‌ای بی‌تفاوت است

کسری نوری: جامعه رسانه‌ای هنوز به صورت جدی و کارشناسی با پیش‌نویسی که با اشتغال و زندگی حرفه‌ای رسانه‌ای‌ها سروکار دارد درگیر نشده و بی‌تفاوتی آزردهنده‌ای بر این فضا حاکم است.

پنهان نگه داشتن تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس موجب نگرانی است و ابهام موجود برخی رفتارهای غیرحرفه‌ای را در پی خواهد داشت که در نتیجه به محلی برای دعوای گرایش‌های سیاسی مختلف بدل خواهد شد.

بعید است دولت قصد و نیت خیر نداشته باشد اما اقدامی که همراه با ابهام باشد با کژی تحلیل و تفسیر می‌شود. روح کلی این پیش‌نویس حکومتی است و گرچه نمی‌توان انتظار داشت دولت، ناگهان همه اختیاراتش را واگذار کند ولی در شرایطی که هر دو جناح در فضای رسانه‌ای کشور سال‌ها به سختی تلاش کرده‌اند، ارائه چنین پیش‌نویسی حق ذاتی آزادی بیان را ضایع می‌کند. به علاوه، فارغ از گرایش‌های سیاسی، ترکیب همه شوراهایی که باید درباره پروانه فعالیت خبرنگاران یا شورای صنفی اظهار نظر کنند، حاکمیتی و دولتی است.

اگر دولت تلاش دارد در راستای تقویت رسانه‌ها گام بردارد حمایت از اجرای درست و کامل قانون کنونی به ویژه در برخورد با مطبوعات مؤثرترین راهکار است. با وجود یک هیئت نظارت قانونی، دادگاه‌ها بدون توجه روزنامه‌ها را تعطیل می‌کنند. در چنین شرایطی، این لایحه مقداری شرایط را پیچیده‌تر می‌کند چراکه راجع به صنفی بحث می‌شود که متأسفانه درون آن هزار و یک مشکل وجود دارد و هنوز به یک زبان مشترک نرسیده‌اند و یکدیگر را تحمل نمی‌کنند. با توجه به فضای موجود به نظر می‌رسد تصمیم از قبل گرفته شده است اما اگر قرار

است این کار انجام شود نگرانی روزنامه‌نگاران مورد توجه قرار گیرد تا با تدوین‌کنندگان به تفاهم برسند.

نکته دیگر اینکه، پیش‌نویس کنونی در مجلس با تغییرات روبه‌رو خواهد شد و بعد از تصویب، همه به اجرای آن متعهد هستند. امید است این پیش‌نویس بر آن نباشد تا به وسیله خود اهالی و افراد منتسب به این صنف به محدودیت رسانه‌های کشور با ظاهر حرفه‌ای و صنفی و جاهت قانونی دهد.

نگاه واقع‌بینانه برای سامان‌دهی نظام صنفی رسانه‌ای ضرورت است

دکتر رضی: تغییر نگاه، ضرورتی است که باید واقع‌بینانه مورد توجه جدی قرار گیرد و نظام جامع یا قانون نظام صنفی نیز به همین نوع نگاه ربط وثیق دارند و دولت باید پیگیری کند این نظام برای سامان‌دهی مجموعه‌های ذی‌ربط تدوین شود. بنابر عقیده کارشناسان، قانون مطبوعات کنونی برای شرایط امروز مطبوعات کشور و اداره مطبوعات کافی و وافی نیست.

همه منتقدان و مدافعان حتی مخالفان که اشکالات مبنایی و اساسی وارد می‌کنند و برخی از اشکالاتشان نیز بر حق است، به ضرورت و اهمیت رسیدن به پیش‌نویس متن مشترک اذعان دارند، بنابر این ضرورت حضور نظام صنفی را نفی نمی‌کنند و قبول دارند. نظام صنفی، مبنای حداقلی است که موجب حمایت از حقوق صنف و حقوق مردم شده و از برخوردهای سلیقه‌ای و موردی جلوگیری خواهد کرد.

در این امر که مطالبات در پیش‌نویس ثبت شود یا نشود و یا اینکه باید در حد مقدور حرکت صورت گیرد، کمی محل اختلاف و اشکال است. این پیش‌نویس دارای نکات مثبت و منفی است اما به نظر می‌رسد باید نکات مثبت برجسته و نکات منفی هم دقیق و بی‌طرفانه گفته شود تا بتوان امیدوار بود با شکل‌گیری صنف، بخشی از فعالیت‌ها به آن واگذار شود و نقش بیشتری در حل و فصل مسائل صنف رسانه به عهده گیرد. باید از این فرصت بهره‌برداری حداکثری کرد نه اینکه مطالبات آن اندازه بالا برده شود تا به سرنوشت اصلاح قانون مطبوعات در مجلس ششم منجر شود.

همه این مباحث باید با دو ویژگی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی مورد واکاوی قرار گیرد. آرمان‌گرایی صرف ممکن است با واقعیت‌های موجود تطابق نکند چراکه دیگر ذی‌نفعان یا افراد متولی هم هستند. باید بخشی از حقوق و وظایفی که در حوزه حاکمیتی وجود دارد با روش قابل انجام، داخل صنف شود. به یک معنا، اگر کسی که وظایفی به عهده‌اش است حب و بغض داشته باشد، حاکمیت نمی‌تواند احساس نگرانی نکند و بر همین اساس اختیاراتش را واگذار نخواهد کرد. به‌رغم اختلاف نگاه‌های سیاسی این بحث نباید سیاسی و جناحی شود.

فعالیت‌های تقنینی در حوزه رسانه از زمان حضور دکتر پورنجاتی معاون وقت مطبوعاتی وزارت ارشاد در سال ۱۳۷۲ به اتفاق کارشناسان دیگر نقد شد که قانون مطبوعات آن زمان،

حتی از منظر مجریان و مدیران حوزه رسانه‌ای کشور نیز کافی و وافی نبود و ابهامات زیادی داشت و مشکلات ایجاد می‌کرد. نگاه صفر و صد همواره تقنین در حوزه رسانه‌ای کشور را دچار معضل کرده‌است و منجر به تعطیلی قانون‌گذاری شده‌است. برای نمونه از زمان وزارت میرسلیم که قانون تبلیغات تدوین و به مجلس چهارم ارائه شد تا امروز که قانون تبلیغات توسط دکتر انتظامی پیگیری و در کمیسیون فرهنگی دولت مراحل تصویب را می‌گذرانند، در سه یا چهار مرحله بازنگری شد — در مرکز تحقیقات صدا و سیما، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات — اما نگاه صفر و صد باعث شد مسکوت بماند و دچار وضعیتی شویم که دفاع نشود. در حوزه قانون جامع رسانه و در سال آخر وزارت صفار هرنندی در سال ۱۳۸۸، توافق شد در پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات پیش‌نویس این لایحه در مدت یک سال آماده شود اما پس از شروع به‌کار دولت دهم وزیر تغییر کرد و مسئولان وقت پیش‌نویس را سه‌ماهه طلب کردند که به همین علت همکاری دو طرف لغو شد.

بعدها جلساتی تشکیل شد و پس از حدود یک سال پیش‌نویس تهیه شد اما دولت دهم به این پیش‌نویس راضی نشد چون به‌صورت مبنایی کار انجام نشده بود و دولت یازدهم هم به این پیش‌نویس راضی نشده. به‌رغم اینکه در ظاهر هر دو دولت دو رویکرد مختلف دارند و ممکن است دو نگاه داشته باشند، اما نمی‌خواهند با قدرت مطرح کنند. بنابراین زمان را از دست داده‌ایم؛ آنچه باید از سال ۸۸ یا ۸۹ کار می‌شد تا امسال ادامه پیدا کرده‌است و صدالبته می‌توان به همین روال پیش رفت و چهار یا پنج سال بعد نیز دوباره گرد هم نشست و گفت‌وگو نمود کرد. بر همین اساس باید میان متولیان حوزه رسانه برای پویایی روند بررسی انسجام و وحدت نگاه ایجاد شود.

در مورد پیش‌نویس می‌توان گفت که مجمع عمومی، بالاترین رکن منتخب هیئت مدیره‌های استانی است که منتخب خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای هر استان هستند. اعضای شورای عالی ۱۵ نفر هستند که از این تعداد هشت روزنامه‌نگار به انتخاب صنف و یک نفر رئیس کل است که طبق ماده ۱۰ به انتخاب صنف است و سرجمع ۹ عضو دارد. از شش نفر باقی‌مانده یک عضو، استاد علوم ارتباطات با رتبه دانش‌یاری و انتخاب شورای انقلاب فرهنگی است. عضو دیگر کارشناس خبره حوزه وب به انتخاب شورای عالی فضای مجازی هست که وی هم همین حالت را دارد. چهار نفر دیگر هم عضو هیئت نظارت بر مطبوعات هستند یعنی قاضی، نماینده، عضو حوزه علمیه قم و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مانند شرایط کنونی در هیئت نظارت. با این تعبیر، اگر شورای عالی شکل بگیرد. این شورا بیشتر به دنبال منافع حوزه صنف کار می‌کند و مسائل حوزه صنف را پیگیری می‌کند و از وضعیت فعلی و مطلوب هیئت نظارت یک گام پیش است. یعنی چهار نفر عضو هیئت نظارت به اضافه دو نفر استاد و کارشناس وب، با ۹ نفر که منتخب صنف هستند. ترکیبی است که دولتی نیست.

تلاش برای اصلاح پیش‌نویس مجمع عمومی و ترکیب شورای عالی دو نکته مثبت هستند اما راجع به شورای نظارت می‌شود بازنگری و اصلاح کرد. اگر بنده‌بند و جزء‌به‌جزء بررسی شود و به ترکیبی مناسب برسد که هم مطالبات صنف را بر آورده کند، مورد رضایت ذی‌نفعان دیگر باشد و هم در مراحل تکمیلی ناگهان احساس نشود که قرار است در حوزه رسانه‌ها انقلابی صورت گیرد که قابل کنترل نباشد، عاقلانه خواهد بود.

لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌های تلاشی برای نظام‌مند کردن فعالیت‌های رسانه‌ای است
دکتر کواکبیان: با توجه به طیف دیدگاه‌های موجود درباره فعالیت‌های رسانه‌ای روزنامه‌نگاران، مهم‌ترین ویژگی پیش‌نویس لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌های تلاشی برای نظام‌مند کردن فعالیت‌های رسانه‌ای است.

یک دیدگاه افراطی معتقد است نباید به ترکیب فعالیت روزنامه‌نگاران دست زد و هر فعالیتی که انجام دادند حق ذاتی آنها است و آزادی دارند و یک دیدگاه تفریطی نیز اعتقاد دارد نباید هیچ‌گونه آزادی را برای روزنامه‌نگاران در نظر گرفت.

نخستین هدف این لایحه برای نظام‌مند کردن فعالیت‌های رسانه‌ای در راستای دور کردن فعالیت‌های روزنامه‌نگاران از برخوردهای سلیقه‌ای و شخصی است چراکه در دوران بستن فله‌ای روزنامه‌ها، به ناگاه ۲۰ تا ۳۰ روزنامه را می‌بستند. این‌گونه برخوردها از طاقت نظام، کشور و روزنامه‌نگاران به دور است. نکته دوم اینکه پیش‌نویس لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌ای گرچه همان تکلیف نظام جامع اطلاع‌رسانی بند الف ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم نیست اما بخشی از آن را در بر می‌گیرد. برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه دولت را ملزم به تهیه این لایحه کرده که تا امروز انجام نشده است. هیچ‌یک از دولت‌های نهم و دهم و تاکنون نیز دولت یازدهم که تازه در آغاز راه است پیش‌نویسی را مطرح نکردند. بر همین اساس، پیش‌نویس لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌ای در راستای همان تکلیف، بنا دارد مناسبات بین روزنامه‌نگاران با حکومت و روزنامه‌نگاران با یکدیگر را تعریف کند و اهالی رسانه نباید مانع شوند و در آینده اگر قرار باشد نظام جامع اطلاع‌رسانی تعیین تکلیف شود سازمان نظام صنفی رسانه‌ای بستری برای طراحی تدوین متکامل تر آن خواهد بود و در توسعه سیاسی و اجتماعی گام مثبتی است.

نکته سوم نوع حمایت حقوقی از روزنامه‌نگاران و تأمین امنیت شغلی آنها است. حقوق در بی‌قانونی تضییع می‌شود اما در قانون بد، تنها بخشی از حقوق تضییع می‌شود. از آنجا که ضروری است حمایت از روزنامه‌نگاران — اگرچه کامل نیز نباشد — در ضوابط و مقررات آورده شود، پیش‌نویس لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌ای برای نخستین بار حمایت از روزنامه‌نگاران را مطرح می‌کند و تأکید دارد که در راستای امنیت شغلی آنها اقدام شود.

نکته بعدی اینکه در ۱۵ سال گذشته در مجلس هیچ قانونی برای مطبوعات مطرح نشده است. آخرین مورد، قانون کنونی مطبوعات است که سال ۱۳۷۸ و اواخر مجلس پنجم مطرح شد و

مجلس‌های ششم، هفتم، هشتم و نهم فعلی نیز به همان روال سپری شد. تنها در مجلس هشتم درباره فضای سایبر مقرر شد که حکم قضایی خبرنگاران و روزنامه‌نگار یا گردانندگان سایت‌های اطلاع‌رسانی مجاز مانند حکم مطبوعاتی‌ها در نظر گرفته شود.

پنج مورد ابهام نیز درباره پیش‌نویس لایحه سازمان نظامی رسانه‌ای وجود دارد که قبل از ارسال به مجلس باید برطرف شوند. نخست اینکه، سازوکار شفاف ارتباط سازمان نظامی رسانه‌ای با هیئت نظارت بر مطبوعات به‌عنوان نهاد ناظر و حاکم و میزان نقش تنبیهی سازمان نظامی رسانه‌ای تعریف شود.

نکته دوم ابهام در چگونگی ارتباط این سازمان با خانه‌های مطبوعات استانی است. گرچه معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی ابلاغ کرده‌اند که انتخابات خانه‌های مطبوعات استانی بنا بر اساس نامه جدید برگزار شود که آن نیز سازوکار خود را دارد.

بر همین اساس خانه‌های مطبوعات استانی در بیشتر خانه‌های مطبوعات ترکیبی را ایجاد می‌کنند و بعد در خانه مطبوعات ایران می‌توانند نقش داشته باشند. اینکه ارتباط آنها با نظام صنفی رسانه در استان‌ها چگونه تعریف می‌شود و مواردی از این دست باید شفاف شوند. نکته سوم مفهوم رسانه است. بنا بر تعریفی که در همین پیش‌نویس آمده: رسانه شامل کلیه وسایل ارتباط جمعی اعم از نوشتاری، شنیداری، دیداری، مجازی و هر نوع وسیله ارتباط جمعی و مشابه آن که در آینده ممکن است ابداع و به‌کار گرفته شود. بر همین اساس، این پیش‌نویس شامل صدا و سیما هم می‌شود و اگر رسانه دیداری و شنیداری شامل این سازمان می‌شود باید شفافیت ایجاد شود زیرا قانون صدا و سیما ۳۵ سال دست نخورده و بدون ویرایش باقی مانده و اگر قرار است صدا و سیما هم باشد، چرا غیردولتی‌ها و خصوصی‌ها می‌توانند روزنامه و مطبوعات داشته باشند اما رادیو و تلویزیون خصوصی را نمی‌توانند. این مسئله نیز مانند وضعیت بانک‌ها قابل حل است.

ابهام بعدی در قلمرو فعالیت رسانه است. یکی از نقطه‌ضعف‌های مجموعه مطبوعات کشور این است که خبرنگاران برجسته بین‌المللی که در پی روابط بین‌الملل، دیپلماسی و سیاست خارجی هستند، نداریم و به این وسیله راه را بر آنها می‌بندیم. چراکه بنا بر قانون مطبوعات دریافت هرگونه کمک از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی ممنوع است اما پرسش این است چه اشکالی دارد با تشخیص و اجازه وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و امور خارجه این کمک‌ها دریافت شود؟ درست است که هدف از تصویب قانون جلوگیری از سلطه بر مطبوعات کشور بوده‌است ولی اگر با تشخیص و مجوز وزارت خارجه و فرهنگ و ارشاد اسلامی از سازمان‌هایی مانند یونسکو برای موفقیت یک روزنامه‌نگار باشد نباید اشکال داشته باشد، اما قانون منع کرده‌است. آخرین مورد درباره پیش‌بینی منابع سازمان در پیش‌نویس لایحه نظام صنفی رسانه‌ای است. منابع مالی باید شفاف شود. آیا اعضا می‌خواهند با پرداخت حق عضویت ماهانه کمک کنند یا از کمک دولت بهره‌مند شوند؟ ردیف بودجه می‌خواهد یا از کمک نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها بهره‌مند می‌شوند که مایل هستند نظام صنفی‌شان را تقویت کنند.

از جمله نکاتی که باید در این پیش‌نویس حذف شوند این است که دولت بیش از حد نقش پیدا کرده درحالی‌که ابتدای این لایحه عنوان شده این سازمان، غیردولتی است. ترکیب هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات در ماده ۴۲ پیش‌نویس مسئله‌ساز است. چرا نمایندگان دستگاه‌هایی همچون قوه قضائیه یا وزارت کشور با استدلال جلوگیری از وقوع جرم یا امور اجرایی حضور دارند اما نماینده حوزه رسانه نه به نمایندگی از روزنامه‌نگاران بلکه به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و به معنای قدرت بیشتر دولت است. همچنین حضور یک نفر از فعالان حوزه اسلامی به انتخاب و معرفی شورای انقلاب فرهنگی پیش‌بینی شده اما روزنامه‌نگار در این ساختار قرار ندارد. روزنامه‌نگاران هیچ نقشی در نظارت بر انتخابات که اصلی‌ترین مسئله هیئت مرکزی این سازمان است، ندارند. نکته دوم اینکه شاید افتخار باشد که رئیس سازمان نظام صنفی از دست رئیس جمهور [هر رئیس جمهوری] حکم بگیرد ولی معلوم نیست برای بدنه صنف افتخار باشد. این مشکل باید اصلاح شود. مجمع عمومی، شورای عالی را انتخاب می‌کند و شورا هم یک نفر را به عنوان رئیس؛ اما دلیلی ندارد حتماً به رئیس جمهور معرفی شود تا حکم بگیرد. جالب اینکه اگر زمانی رئیس جمهور نپذیرفت سازوکار دیگری برای حل اختلاف پیش‌بینی شده، تا رئیس جمهور انتخاب شورا را بپذیرد که به نظر می‌رسد ضروری نیست. گاه در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات، افراد دولتی حضور پیدا می‌کنند اما هیچ‌گونه امکان دفاعی برای روزنامه‌نگاران پیش‌بینی نشده است. بارها گفته شده روزنامه متهم در برابر هیئت نظارت مطبوعات امکان پاسخگویی و دفاع داشته باشد و چنانچه هیئت قانع نشد تصمیم‌گیری شود. نکته بعد اینکه قانون مصوب معلوم نیست چه زمانی دوباره تغییر کند بنابراین باید دقت بیشتری در تدوین و تنظیم مفاد آن داشت. قانون قبلی ۱۵ سال دست نخورده باقی ماند و لازم است مقداری درباره حقوق خبرنگار در برابر منافع دولتی‌ها بیشتر تأکید شود. عبارت‌های کش‌دار نیز باید شفاف تعریف شوند تا به ضرر روزنامه‌نگار تمام نشود؛ برای نمونه مفهوم منافع ملی، افکار عمومی و غیره شاید در ذهن قانونگذار تعریف شده باشد اما در دستگاه قضایی باید قابل اندازه‌گیری و قابل سنجش باشد.

پیش‌نویس لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌ای با نظر اهالی رسانه نهایی می‌شود

دکتر انتظامی: پیش‌نویس لایحه سازمان نظام صنفی رسانه‌ای به دلیل اهمیت مسئله با نظر اهالی رسانه، استادان، روزنامه‌نگاران و مدیران رسانه‌ها نهایی و جمع‌بندی خواهد شد. با توجه به تأکید رئیس جمهور به هیچ‌وجه عجله‌ای در کار نیست. معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی و مشغول تدوین یک لایحه برای سازمان نظام صنفی رسانه‌ها است و با توجه به تأکید رئیس جمهور حتماً با نظر اهالی مطبوعات و رسانه‌ها انجام خواهد شد. درست به همین دلیل به نقد و واکاوی‌ها دامن می‌زنیم و از رسانه‌های مختلف خواهش می‌کنیم درباره آن مطلب بنویسند که می‌خواهیم بی‌تفاوتی مورد گلابه عزیزان پیش نیاید. این کار برای نخستین بار انجام می‌شود و نباید عجله کرد بلکه باید آن را کاوش کرد. نکته دوم درباره تکلیف لایحه جامع سازمان رسانه‌ای که در برنامه چهارم و پنجم توسعه آمده، این است که بنابر برداشت دولت، این دو تکلیف قانون برنامه توسعه از منظر قانونی

مکمل یکدیگر هستند. یکی سازمان نظام صنفی رسانه است که رابطه بین روزنامه‌نگاران با یکدیگر، روزنامه‌نگاران با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران با حاکمیت را بررسی می‌کند و قانون دیگر به رسانه‌های همگانی می‌پردازد که رابطه بین رسانه‌ها با شهروندان و رسانه‌ها با حاکمیت را نظارت خواهد کرد. هرچند که پرداختن به این روابط در قانون مطبوعات کنونی وجود دارد ولی در قانون رسانه‌های همگانی کاملاً گسترش پیدا می‌کند. حقوق رسانه، حقوق حاکمیت — که جزء منافع ملی است — و حقوق شهروندان باید با هم دیده شود. در قانون مطبوعات و ماده ۲۳ که در رابطه با پاسخگویی در زمینه حقوق شهروندان است رسانه‌ها را مکلف به رعایت آن می‌کند. در قانون دیگری که قانون رسانه‌های همگانی است به این امور بیشتر توجه شده است نه به خود روزنامه‌نگاران. روزنامه‌نگاران در قانون نخست باید مکمل باشند حتی اگر این قوانین و مقررات از هم جدا هستند اما باید با اطلاع یکدیگر باشند و زوایای تکمیلی هر دوی آنها باید با یک رویکرد تدوین شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران

سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران «در راستای اصول بیست و چهارم و یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور اجرای بند «الف» ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه، مصوب ۱۳۸۹ و حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع رسانه‌های همگانی، تنظیم مناسبات و روابط حکومت، شهروندان و روزنامه‌نگاران با یکدیگر و زمینه‌سازی برای حضور مؤثر و فعال روزنامه‌نگاران در عرصه‌های بین‌المللی تشکیل شده است. در این گرافیک اطلاع‌رسان به معرفی این سازمان و تشکیلات سازمانی آن اقدام شده است.

سازمان نظام رسانه‌ای

سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران که از این پس در این قانون «سازمان» نامیده می‌شود، مؤسسه‌ای است حرفه‌ای، غیر دولتی، غیر انتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که به منظور تحقق بخشیدن به اهداف و انجام وظایف مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد.



۱۷۵

گزارش نشست تخصصی نقد و بررسی پیش‌نویس ...





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی